

نگاهی به نمایش «بر پهنده دریا» به کارگردانی پارسا پیروزفر

تناقضی میان متن و اجرا



پهنه دریا» بر طول اجرای «بر پهنده دریا» به کارگردانی پارسا پیروزفر مدام به این فکر می‌کردم که چرا مرزوک خوب است. سوالی که در لابه‌لای اجرای پیروزفر می‌شد به آن پاسخ داد. درامی که مرزوک خلق می‌کند در کنار مفهوم انسانی‌ای که دارد موقعیتی عجیب را خلق می‌کند. موقعیتی که در آن ۳ شخصیت کوچک، متوسط و بزرگ را در یک قایق در میانه دریا کنار هم می‌گذارد در حالی که غذای‌شان تمام شده و گرسنه هستند. این یعنی ایجاد بحران در قایق اولیه یک نمایشنامه. مرزوک در این نمایشنامه بدون هیچ مقدمه‌چینی به سراغ فکر اصلی نمایشنامه می‌رود و از آن جاست که در کنار نمایشنامه تعلیق را به وجود می‌آورد. نمایشنامه‌ای که تعلیق را از ابتدا طرح‌ریزی می‌کند و می‌خواهد انسانیت را در کنار خود دست رفتن خلقت‌های انسانی نشان دهد. او ۳ قشر را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد.

پهنه دریا» بر طول اجرای «بر پهنده دریا» به کارگردانی پارسا پیروزفر مدام به این فکر می‌کردم که چرا مرزوک خوب است. سوالی که در لابه‌لای اجرای پیروزفر می‌شد به آن پاسخ داد. درامی که مرزوک خلق می‌کند در کنار مفهوم انسانی‌ای که دارد موقعیتی عجیب را خلق می‌کند. موقعیتی که در آن ۳ شخصیت کوچک، متوسط و بزرگ را در یک قایق در میانه دریا کنار هم می‌گذارد در حالی که غذای‌شان تمام شده و گرسنه هستند. این یعنی ایجاد بحران در قایق اولیه یک نمایشنامه. مرزوک در این نمایشنامه بدون هیچ مقدمه‌چینی به سراغ فکر اصلی نمایشنامه می‌رود و از آن جاست که در کنار نمایشنامه تعلیق را به وجود می‌آورد. نمایشنامه‌ای که تعلیق را از ابتدا طرح‌ریزی می‌کند و می‌خواهد انسانیت را در کنار خود دست رفتن خلقت‌های انسانی نشان دهد. او ۳ قشر را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد. بزرگ‌های نمایشنامه متوسطه‌مانند هاشم قشر متوسط و کوچک‌مانند هاشم قشر پایین را در کنار هم قرار می‌دهد.

گفت‌وگو با مهران رنجبر به بهانه اجرای نمایش «ریچارد سوم»

تنهایی‌های یک ریچارد در صحنه



نمایشنامه بنویسد و خیلی چهره ریچارد را بد معرفی کند. به نظر من در متن شکسپیر می‌خواهم که ریچارد همه را نکشد و نگه پاره کرد ولی شکسپیر در آن متن یک تنهایی‌های خاصی در این اثر برای ریچارد گذاشته است که این رمزورندی شکسپیر است. چیزی که شکسپیر از ریچارد نوشته چندر با واقعیت تاریخی تطابق داشته‌است؟ در ظاهر همه می‌گویند این متن واقعی است. تاریخ انگلستان در این متن وجود دارد اما اصلاً اینطور نیست. یک نوع معلومیت در این سیستم وجود دارد. چون شکسپیر می‌خواست اتفاق دیگری را در متن رقم بزند گردش زده می‌شد ولی غیرمستقیم رندی می‌کند. این درحالی است که چند خصوصیت و ویژگی در بازخوانی از ریچارد وجود دارد که ثابت است. اما اگر بخوایم متن کامل شکسپیر را به صورت کلاسیک بکنیم، کید به یک سوگنامه تبدیل می‌شود. او ناله، ریج، داد و بیداد در این اثر زیاد است و برای تماشاگر امروزی مناسب نیست. باید خویش و بازخوانی بشود و مدرن شود و جور دیگری به این متن نگاه کرد. این نگاه کردن هم بیشتر به لحاظ فرم است. از نظر محتوا هم می‌شود خویش کرد ولی مسیر اصلی هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند. به حرف فیلم برمی‌گردد که می‌گویم ریچارد یک نرسی خصوصیت مثل حسد دارد که ثابت است. ریچارد در آن دوره زندگی می‌داند قوز دارد. در اجرایی که درام یک نقض هم در پای

افشین هاشمی در ماه‌های گذشته دوران پرکاری را پشت‌سر گذاشت. او با کارگردانی و بازی در نمایش «مصاحبه» نوشته محمد رحمانیان بار دیگر این متن را زنده کرد. نمایشی که سال‌ها پیش توسط رحمانیان اجرا شده بود و هاشمی نشان داد که همچنان این متن پتانسیل اجرای مجدد را دارد. بعد از این اجرا هم راهی آمریکا شد تا همین نمایش را در آن جا روی صحنه ببرد. همزمان در نمایش «و آنک انسان» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضایی‌راد نیز بازی کرد. نمایشی تک نفره که نوشت توانایی‌های بازی او را به رخ مخاطب کشد.



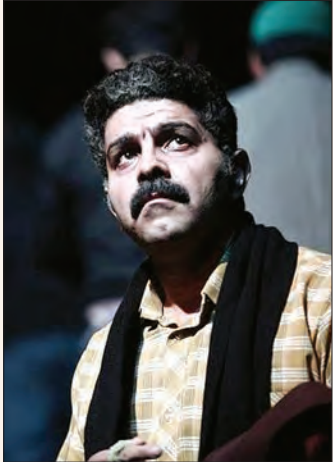
نمایشنامه‌های اخیر هاشمی در ماه‌های گذشته دوران پرکاری را پشت‌سر گذاشت. او با کارگردانی و بازی در نمایش «مصاحبه» نوشته محمد رحمانیان بار دیگر این متن را زنده کرد. نمایشی که سال‌ها پیش توسط رحمانیان اجرا شده بود و هاشمی نشان داد که همچنان این متن پتانسیل اجرای مجدد را دارد. بعد از این اجرا هم راهی آمریکا شد تا همین نمایش را در آن جا روی صحنه ببرد. همزمان در نمایش «و آنک انسان» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضایی‌راد نیز بازی کرد. نمایشی تک نفره که نوشت توانایی‌های بازی او را به رخ مخاطب کشد.



علاق خوش رجوع کرده و شیوه نمایش ایرانی را در این نمایش به کار گرفته است. این نمایشنامه نخستین بار در مرداد ۱۳۹۲ با بازی بنیاد خیره‌یار برکت در فرهنگسرای ارسباران نمایشنامه‌خوانی شده است. در این اجرا افشین هاشمی به عنوان نویسنده، کارگردان و بازیگر حضور داشت و در کنار او بازیگرانی چون هدایت‌هاشمی، لادن مستوفی و عاطفه نسوری ایفای نقش می‌کردند. این نمایشنامه در تیراژ ۱۱۰۰ نسخه و در بهار ۹۳ از قطع جیبی منتشر شده است.

گروه آمریکای ایران

جشنواره تئاتر عروسکی با تمام اما و اگرها و فراز و فرودها کارش را به پایان رساند و مرضیه برومند در کارنامه دوبردی جشنواره‌اش قطعی‌ها مهم گذاشت. پرومندی که یکبار در این جشنواره استعفا خود را اعلام کرده بود بالاخره پذیرفت با کم و کاستی‌ها جشنواره را به پایان ببرد. او شکل‌گیری کارناوال تا نمایشگاه عسک حمید جلیلی از مجموعه عروسکی «خونه مادر بزرگه» از ویژگی‌های این جشنواره بود.



توانسته ویژگی‌های جالبی را خلق کند. این نمایشنامه بعد از ۱۴ سال به صحنه رفته است. علیرضانادری در خلال این اجرا نامهای به کارگردان نوشته و در آن گفته: «روزگاری - همان سال‌ها - در هنرهای زیبا فرجام سفر طولانی طوبیا» را به چند دوست و رفیق دادم که بخوانند. روی صفحه اولش با جمله‌ای از مسیح - درود خدا بر او - در بره‌م مرگ، گناه و باگیری مرگ آغاز می‌شد که دوست داشتم و دارم که محتوا روی پوستر و بروشور دیده شود. اغلب انگار «تورانی» دیدند، «ایرانی‌وار» نگاه‌عقل‌اندر (نه عاقل‌تر) سفیه انداخته و دیدم طوبیا به کت‌شان نمی‌رود. آنها «طور» پینتر، یونسکو و بکت را چنان غلط فهمیده بودند که بماند برای بعد. من آن سال‌ها یک دست‌انویز مهم (و نه فقط همین یکی) را داشتم از نویسنده‌ای ایرانی که می‌گفت نویسنده باید برای نوشتن از پشت میز منتقل بشود، جاه‌جا بشود، «پا» بشود!

نمایشی پس از ۱۰سال

سیامک انصاری که بیشتر در سریال‌های ۹۰ شییی مهران مدیری دیده‌ایم دوباره به صحنه تئاتر برگشته و در یک نمایش بازی می‌کند. نمایشی که ۱۰سال پیش بازی

ذره بین

مروزی بر چند رویداد تاتری

از شیرهای هاشمی تا حضور مجدد سیامک انصاری

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده

کریه بود و این روزها در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد سمندریان روی صحنه است. نمایش «کسی نیست تمام داستان‌ها را به یاد آورد» نوشته محمد چرمشیر با کارگردانی رضا حداد است. یکی از ویژگی‌های عمده